

بررسی هویت قومی و تاثیر آن بر احساس طرد اجتماعی (مورد مطالعه: عرب‌های شهر اهواز)

عبدالرضا نواح^۱ * خیری حیدری^۲

چکیده

هویت قومی از مفاهیمی است که تحولات آن به‌ویژه در جوامع در حال گذار و در شرایط تنوع و پیچیدگی ارزش‌ها، مانند سایر واقعیات اجتماعی که متأثر از عوامل گوناگونی هستند، حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. طرد اجتماعی نیز از مباحث مطرح در حوزه علوم اجتماعی است که در آن، طرد فقط در معنای راندن یا رانده شدن فرد یا گروهی توسط دیگران و جامعه نیست، بلکه اشکال گوناگون طرد وجود دارد. این مقاله دربرگیرنده ماهیت روان‌شناسی، اجتماعی و فرهنگی هویت قومی و تأثیر آن بر احساس طرد است که به نقش فعال افراد گروه قومی و قضاوت آنان پیرامون هویت قومی می‌پردازد. به این منظور، فرضیه‌هایی به آزمون نهاده و رویکرد کمی اتخاذ شد. قوم عرب خوزستان (شهر اهواز) به‌عنوان جامعه آماری با حجم نمونه ۳۸۴ نفر مورد بررسی و مشاهده قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان داد: متغیرهای تعصب قومی، تعلق قومی، نگرش به هنجارهای قومی رابطه معکوس و معناداری با متغیر ملاک (احساس طرد اجتماعی) دارند.

واژگان کلیدی: احساس طرد اجتماعی، هویت قومی، تعصب قومی، تعلق قومی و هنجارهای قومی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره هجدهم • بهار ۹۵ • صص ۸۴-۵۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۱

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز (dr.navah1338@gmail.com)
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسئول (kh.hiedari1369@gmail.com)

مقدمه

جوامع بشری هرچند دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند، افراد آن از نظر سنی، جنسی، مذهبی، نژادی و قومی متفاوت از یکدیگرند و این تفاوت باعث ایجاد گروه‌های متنوعی در جوامع می‌شود. بنابراین هر جامعه‌ای جدا از فرهنگ عام، خرده‌فرهنگ‌هایی متناسب با وضعیت گروهی خود دارند (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۵). هویت و ابعاد مختلف آن در جامعه به شدت متغیر امروز یک مسئله اساسی است. جوامع انسانی در همه موقعیت‌ها، فرایندهای تغییر را تجربه کرده و کمتر جامعه و گروهی است که در حالت رکود و ایستایی باشد. امکان برقراری ارتباطات از راه دور و از خلال رسانه‌های چندگانه ارزش‌ها و معناها را دگرگون کرده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۹۳).

با توجه به اینکه طرد اجتماعی دغدغه اصلی پژوهش حاضر است، نکته اساسی آن بدین صورت مطرح می‌شود؛ خلاف تصور اکثریت و اعتقاد رایج، طرد فقط در معنای راندن یا رانده شدن فرد یا گروهی توسط دیگران و جامعه نیست، بلکه اشکال گوناگون طرد وجود دارد؛ بعضی دیده نمی‌شوند، اما احساس می‌شوند، برخی دیگر رؤیت می‌شوند، اما کسی در مورد آن صحبت نمی‌کند و بالاخره بعضی اشکال کاملاً پنهان بوده و حتی وجود آن حدس زده نمی‌شود و لفظ یا واژه‌ای مناسب برای تعیین و نشان دادن آن نداریم (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۴). طرد اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی - فرهنگی نیز دلالت دارد. از نظر اجتماعی و فرهنگی، احساس طرد بیشتر با عدم رضایت و عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش (محل‌های، قومی و مذهبی) ارتباط دارد (Burchardt, 2002: 85).

در اندیشه دینی، هویت‌ها، چه ملی و چه قومی، عامل حقیقی وحدت در اجتماع، گروه و جامعه توصیف می‌شوند. بنا به فرموده قرآن کریم، خداوند انسان‌ها را در شعب مختلف دسته‌بندی نموده تا به هویت‌شناسی آنها کمک کند، بنابراین نباید هویت قومی را به‌عنوان مقیاس ارزش و کبر و یا مادون و محروم بودن تصور کرد. در تحلیل سیاسی،

مطالعه عواملی که می‌توانند به تنش قومی منتهی شوند، از ضروریات پژوهشی در حوزه مسائل قومی است، چراکه عوامل بحران‌زایی چون عدم وفاق و ضعف فهم افراد از اصول گروهی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، وجود تمایزهای قومی، ضعف تعاملات درون و بین‌قومی، ناکامی در دغدغه‌ها و آرزوهای قومی و... بالقوه می‌تواند حیات سیاسی و امنیتی نظام اجتماعی را تحت شعاع قرار دهند.

در مباحث طرد اجتماعی، دو رویکرد فکری وجود دارد: رویکرد اول، تأکید بیشتری بر وجه توزیعی طرد دارد و به دسترسی ناکافی به خدمات عمومی، اشتغال‌می‌ورزد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۳)، رویکرد دوم در درون سنت فکری فرانسه جای دارد و تأکید بر وجه رابطه‌ای و فرهنگی طرد، نظیر ضعف شبکه‌های حمایتی در برآوردن انتظارات، وجود تصورات قالبی و تحقیر فرهنگی، سست شدن همبستگی و انزوا دارد (Todman, 2004: 17). با توجه به هدف بررسی حاضر، محتوای این مقاله به رویکرد دوم نزدیک بوده و به وجه اجتماعی و فرهنگی طرد می‌پردازد. در این میان آنچه از نقطه نظر آسیب‌شناسی هویت به مثابه مسئله مطرح است، نه نقص وجود هویت‌های قومی، بلکه احساس طرد در میان بعضی افراد گروه‌های قومی است. در برخی موارد هویت قومی در گرایش‌های اجتماعی افراد به‌طور مثبت یا منفی مؤثر است و به‌عنوان عاملی در پذیرش اجتماعی و یا احساس طرد نقش دارد. از این رو گاهی هویت قومی مشکلاتی به همراه دارد و مناسبات اجتماعی را در بعضی مکان‌ها و زمان‌ها دچار اختلال می‌کند.

در جامعه اسلامی طرفداری از ملت، قوم و طایفه بدون رعایت احکام دین اسلام و بدون در نظر گرفتن عدل ضداً ارزش محسوب می‌شود (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۸: ۲۵۱). همچنین عضویت و انتساب به گروه قومی که امری طبیعی به شمار می‌رود، نباید به‌عنوان معیار سنجش افراد و مقیاسی برای فخرفروشی و یا برای محروم بودن و عقب‌ماندگی قرار گیرد. مسئله قومیت‌ها و چگونگی نگرش به آنها، به‌عنوان یک واقعیت مهم در گذشته، حال و آینده مطرح بوده و خواهد بود. در سطح پنداری - احساسی هدف این پژوهش تشخیص آن چیزهایی است که فرد به آنها تمایل ندارد و به گونه‌ای با داوری‌های ارزشی، روبرو هستیم. عدم توجه به هویت‌ها (ملی، قومی و...) و حاشیه‌ای دانستن این مقولات در دوران مدرن می‌تواند مباحثی چالش برانگیز باشد.

در مورد جنبه‌های اهمیت این پژوهش، باید گفت که کشور ایران با توجه به ترکیب

قومی و درهم آمیختگی که در آن میان فرهنگ‌های قومی، ملی و جهانی دیده می‌شود، نیازی سخت به گسترش قوم‌شناسی دارد. در ایران به‌طور کل و در استان خوزستان به‌طور خاص با گروه‌های قومی و مناطق فرهنگی متنوعی روبرو هستیم، این تنوع در شهر اهواز برجسته‌تر و شاهد همجواری گروه‌های قومی گوناگون در آن هستیم. بر این اساس این مکان از مسائل قومی فارغ نیست. به‌طور کلی تحقیقات چندانی در زمینه بررسی اینکه برخی افراد، خود را در قید ساختار قومی متفاوت از دیگران می‌دانند و تعلق چندانی به قومیت خویش و ویژگی‌های فرهنگی آن نداشته، صورت نگرفته است. بنابراین هدف اصلی و کلی این پژوهش عبارت است از اینکه آیا هویت قومی به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی - فرهنگی است یا عاملی برای احساس طرد اجتماعی. اهداف جزئی نیز عبارتند از: ۱. شناخت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر احساس طرد اجتماعی و ۲. شناخت تأثیر عوامل روان‌شناسی - اجتماعی و فرهنگی بر احساس طرد اجتماعی.

۱. پیشینه تحقیق

از دههٔ شصت میلادی، مسئله قومیت به موضوعی اصلی در ادبیات و آثار اندیشمندان علوم اجتماعی تبدیل شده و توجه محققان داخلی و خارجی به آن جلب شده است. در زمینه مسائل طرد اجتماعی باید گفت که متأسفانه توجه کافی به این مسئله در پیشینه‌ها، در ابعاد گوناگون و بین گروه‌های مختلف جامعه نشده است. حال در این قسمت بنا به نیاز پژوهش، به ذکر چند مورد از تحقیقات داخلی و خارجی اشاره می‌کنیم.

۱-۱. پیشینه داخلی

- چلبی (۱۳۷۵) تحقیقی با عنوان «هویت‌های قومی رابطه آن با هویت ملی در ایران» انجام داده است. این پژوهش مطالعه‌ای پیمایشی در سطح هفت قوم ترکمن، بلوچ، تالش، عرب، فارس زبان‌ها، کرد و لر بوده است. جامعه آماری این پژوهش، افراد ۱۸ ساله و بالاتر از آن را دربرمی‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان داده است که تعهد قومی نزد اقوام شدید نبوده، اما به‌طور کلی احساس هویت و تعهد ملی نزد همهٔ اقوام بالا بوده است. در مجموع، قوی‌ترین احساسات در بین ترکمن‌ها و تالش‌ها و ضعیف‌ترین احساسات در بین عرب‌ها و کردها یافت شد.

- قیصری (۱۳۸۱) در تحقیقی میدانی با عنوان «قومیت عرب خوزستان و هویت ملی

ایران»، نشان می‌دهد که مشکلات عرب‌های خوزستان بیشتر ماهیت اجتماعی دارد. وی دریافت که انتصاب غیرعرب‌ها به مقامات بالای اداری در خوزستان مورد اعتراض عرب‌های استان است و به‌ویژه بر هویت قومی آنان اثرگذار است.

- فکوهی (۱۳۸۱) پژوهشی با عنوان «شکل‌گیری هویتی و الگوی قومی، ملی و جهانی در بین جوانان استان لرستان» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که زبان قوی‌ترین عامل هویت‌سازی است و این عامل در سطح ملی در استان کاملاً مهم و مؤثر بوده است و در مقابل زبان محلی (قومی) اهمیت کمتری دارد، که این امر پدیده منفی فرض شده است. در مورد مؤلفه احساس تعلق، نتایج وجود عناصر بسیار مثبتی را در سطح ملی نشان داد، با وجود این در مورد تعلق قومی در زیرمجموعه تعلق خانواده و خویشان بوده و مانع از شکل‌گیری سطح هویتی قومی می‌شود.

- نواح (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «قوم عرب، واگرایی یا همگرایی» به بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در میان عرب‌های استان خوزستان پرداخته است. محقق با استفاده از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر نشان داد که رابطه احساس محرومیت و هویت قومی مستقیم بوده و بین هویت قومی و هویت ملی رابطه معکوس وجود داشته و در نهایت قوم عرب به سوی واگرایی پیش می‌رود.

- بلالی (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان «طرد اجتماعی اقوام در آینه آمار» احساس طرد اقوام کرد و ترک را صرفاً از بعد اقتصادی بررسی کرده و به ابعاد طرد از فرایند توسعه پرداخته است. طبق یافته‌های محقق، تفاوت‌های استان‌های قومی نشین (غیرفارس) با دیگر استان‌ها به‌ویژه فارس نشین، ناچیز است.

۲-۱. پیشینه خارجی

- کابر (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «الگوهای طرد اجتماعی در رابطه با فرهنگ و قومیت» نشان داده است که در برخی از فرهنگ‌های آسیایی اشکال مهمی از محرومیت‌ها وجود دارد که تماماً از طریق رویکردهای اقتصادی درک نمی‌شوند. این موارد شامل جنبه‌هایی است که به هویت مربوطند و تحقیر فرهنگی افراد را بر حسب هویتی که به آنها نسبت داده می‌شود، نشان می‌دهد. این امر ممکن است به عضویت در گروه‌های خاص (نژاد، قومیت و

اقلیت مذهبی بودن) مربوط باشد که وجوه مشترک خود را می‌شناسند و دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند.

- بایوا (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان «مطالعه تجربی هویت قومی نوجوانان» در قزاقستان انجام داد. چهار نقطه تمرکز این تحقیق، شامل احساس تعلق به هویت قومی، معناداری و ارزش هویت قومی، ارتباط بین اکثریت و اقلیت قومی، به کارگیری زبان قومی بوده است. به نظر محقق، به‌طور کلی تعلق و تعصب به گروه قومی ناشی از نقش مسلط والدین بر نوجوانان و ساختار قوم‌گرایانه آنان است و از آنجایی که این نوجوانان در مرحله جامعه‌پذیری هستند، ممکن است در سال‌های جوانی و بزرگ‌تر شدن و به دنبال استقلال، تغییر نگرش دهند.

۲. مبانی نظری

بر اساس ماهیت پژوهش، مبانی نظری را در دو دسته دیدگاه‌های هویت قومی و طرد اجتماعی مطرح می‌کنیم:

۲-۱. نظریه‌های هویت قومی

- گنورگ زیمل: از نظر زیمل، گروه‌های قومی که در مجاورت فیزیکی با یکدیگر به سر می‌برند، نشانه‌هایی از عصبیت جمعی، حساسیت، نابهنجاری، احساس فروتر بودن یا برتر بودن را که در هریک از اعضای این اجتماعات به صورت انفرادی وجود دارد، با خود دارند. سه درون‌مایه اصلی در نظریه روابط قومی زیمل وجود دارد: قومیت به مثابه شکلی از فرایند هم‌رفتاری، ماهیت تعامل اجتماعی و بنابراین قومی و زوال و کم‌رنگ شدن قومیت در اثر جدایش‌پذیری اجتماعی (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۴۳).

اصلی‌ترین نظریه قومیت زیمل، مفهوم جدایش‌پذیری اجتماعی است. وی کار خود را با این فرض آغاز می‌کند که در جوامع سنتی و مدرن درجات مختلف جدایش‌پذیری اجتماعی وجود دارد. اصولاً این دیدگاه بر پایه دیدگاه تکامل باوری استوار است، در حالی که در جامعه سنتی اصل نژاد و قومیت به نفع شکل‌گیری همانندی و تشابه بین افراد است. از این دیدگاه اجتماعات قومی از ارتباط مکانیک قوی و میزان بالای همبستگی برخوردارند، جوامع مدرن میزان بیشتری از جدایش‌پذیری کارکردی را به نمایش می‌گذارند، در حالی که مشخصه جوامع مدرن پیونددهی گروهی ضعیف و فردیت‌های پراکنده است. بنابراین تعلقات و وابستگی‌های گروه قومی، پدیده‌ای تلقی می‌شوند که در اثر جدایش‌پذیری

اجتماعی و افزایش پیچیدگی جامعه رو به زوال می‌گذارند. احساس و درون‌مایه فردیت، یا به پای بزرگ شدن گروه افزایش می‌یابد (همان: ۴۷-۴۴).

- ماکس وبر: از دیدگاه وبر، گروه قومی یکی از آزردهنده‌ترین مفاهیم است، چرا که مملو از احساسات است. اصل بنیادین نظریه قومی وبر را می‌توان به قرار زیر دانست: قومیت به مثابه شکلی از منزلت اجتماعی. گرچه قومیت بر حسب روابط خویشاوندی تبیین می‌شود، از آنجایی که هویتی فرضی است، از خویشاوندی متفاوت است. صرف عضویت می‌تواند به تشکیل یک گروه کمک کند، اما گروه قومی همین که وارد کنش اجتماعی شد، به شکل نوعی از گروه منزلتی دگرگون می‌شود. از نظر وبر، قومیت مانند تمامی گروه‌های منزلتی، دوزیست بوده و «تخیل اجتماعی افتخار و غرور» برای ایجاد آن تعیین کننده است. قومیت در نتیجه پرورش، آموزش و دیگر عوامل جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (همان: ۴۸).

قومیت در سبک زندگانی خاص تجلی می‌یابد و می‌تواند با موفقیت، مدعی وجود نوعی «احترام اجتماعی خاص» و «منزلتی ویژه» گردد. عضویت در گروه‌های قومی با منزلت نوعی «احساس غرور و تعصب» به افراد می‌بخشد که در پرستیژ و افتخار اجتماعی تعلق به گروه قومی از سوی افراد نمود می‌یابد. گروه منزلتی از خلال آنچه وبر «افتخارات قومی» می‌نامد، تجلی بیرونی می‌یابد؛ افتخارات قومی همان عقیده به برتری آداب و رسوم خود و پایبندی به آنهاست. وبر «احساس غرور» را با عنوان اسوه‌ها و تقاضاهای متعارف اجتماعی فردی که گروه‌های قومی برای تعیین شیوه رفتار و سلوک اعضای خود مطرح می‌کنند، تعریف کرده است. به‌طور کلی هر چند گروه‌های قومی همواره کارکردی به مثابه گروه‌های منزلتی دارند، تمامی گروه‌های قومی و در همه دوران‌ها و اوضاع و احوال و در نظر همه اعضای گروه قومی، گروه منزلتی نیستند (Weber, 1968: 391).

- رابرت پارک: نظریات پارک پیرامون تعصبات قومی و گروهی، انسان حاشیه‌نشین حاوی تحلیل‌های ملهم از تعامل‌گرایی نمادین بودند که در نظریه پرآوازه وی با عنوان «چرخه روابط نژادی» نمود یافت (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۱۰۸). پارک تعصب گروه قومی را نه یک ویژگی فردی، بلکه حاصل تغییر روابط بین گروه‌ها تلقی می‌کرد. تعصب قومی هنگامی دگرگون می‌شود که گروه قومی به مقایسه جایگاه گروه خود با دیگران پرداخته و به تمایزات و تبعیضات خویش پی ببرد (Lal, 1995: 38).

روشن‌ترین نمونه تأثیر زیمل بر پارک، در مفهوم «انسان حاشیه‌نشین» او آشکار است. درست همانند مفهوم بیگانه در آثار زیمل، انسان حاشیه‌نشین به معنی فردی است که تعلق به فرهنگ چیره (فرهنگ کلی جامعه، فرهنگ قومی، مذهبی و...) ندارد. انسان حاشیه‌نشین که تجسم زندگی در کلانشهر است، محصول فرعی مدرنیت و از دیدگاه پارک، شخصیتی با افق‌های بازتر، فارغ از قید تعلقات محدود و احساس تمدن و پیشرفت بیشتر است (مالشویچ، پیشین: ۱۱۰). پارک عقیده داشت که با گذشت زمان نمی‌توان فرهنگ‌های مشخص قومی را حفظ کرد. این فرهنگ‌ها به دلیل کنش متقابل با گروه‌های دیگر و نیز به علت تأثیر فرهنگ ملی، دستخوش دگرگونی و فرسایش می‌شوند. پارک بر آن بود که «همانند گردی» نیروی بسیار قدرتمندی است که توانایی پایداری گروه‌های نژادی، قومی و فرهنگ‌های مشخص را انکار می‌کند. وی این فرایند را «پارادوکس قومیت» می‌نامد (کیویستو، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

– هربرت بلومر، قومیت را پدیده‌ای فرهنگی می‌داند که در اثر «دیالکتیک بین شباهت با اعضای گروه قومی و تفاوت با دیگران» شکل می‌گیرد. وی با گسترش مفهوم تعصب قومی پارک به عنوان شکلی از رابطه گروهی استدلال می‌کند که برای درک مفهوم تعصب باید از تأکید بر احساس فردی دور شده و به مفهوم جایگاه گروه تأکید کرد. از نظر بلومر، خصومت‌ها یا همدردی‌های گروه قومی اکثراً ناشی از احساس فرد در مورد موقعیت و جایگاه گروه در رابطه با گروه‌های دیگر است. تعصب گروهی ناشی از ارزیابی افراد و تعریف و تفسیر تجربیات خود و وقایعی است که تجربیات قومی را پدید آورده است. به این ترتیب تعریف جمعی گروه از وضعیت خود، معادل فرایند مستمر تجربه‌اندوزی است که ممکن است در خانه، محل کار، همایش‌ها، خیابان، مطبوعات، رادیو یا تلویزیون جریان یابد. از نظر بلومر، هیچ گروه قومی از این فرایند تعریف جمعی در امان نیست و متقابلاً این تفسیرها بر نگرش‌ها، تعصبات و احساسات گروه قومی تأثیرگذار خواهد بود (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۱).

– دیوید مایر: مایر از نظریه‌پردازان روان‌شناسی اجتماعی در زمینه تعصب قومی است. وی در یک دید ترکیبی به منابع تعصب اشاره کرده است: اصل اول: نابرابری‌های اجتماعی از جمله نابرابری در احترام و منزلت به وجود آورنده تعصب است. نابرابری و تبعیض، تعصب را تولید می‌کند و تعصب تبعیض را مشروعیت می‌بخشد. اصل دوم: صرف ادراک

و تجربه فرد از اینکه در کدام گروه است می تواند تعصبات درون گروهی و قومی را در او افزایش دهد. به عبارتی، این تمایل را در فرد تقویت کند که به گروه خود بیالذ یا برعکس تعصبی نسبت به آن نداشته و از آن بیزاری جوید. اصل سوم: تعصب می تواند برای غلبه بر احساس فروتری افراد به کار گرفته شود، بنابراین نفع روان شناختی تعصب احساس برتری است، هرچه میزان تعصب بیشتر، احساس فروتری کمتر می شود. احساس برتری در صورتی است که گروه قومی نیازهای منزلتی فرد را برآورده سازد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۱۷).

- نظریه هویت اجتماعی: مطابق این دیدگاه، هویت قومی بیانگر احساس ارتباط و اتصال روان شناختی با گروهی از افراد است که دارای تاریخ، تبار، سنت ها و... مشترک است. پرچم دار نظریه هویت اجتماعی، جرج هربرت مید است که فرایند دستیابی فرد به احساس هویتی را بررسی می کند. از دیدگاه مید، هر فرد هویت (شخصی و گروهی) خود را از طریق سازماندهی نگرش های فردی خود و نیز دیگران در قالب های نگرش های سازمان یافته گروهی شکل می دهد (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۳). اکثر مطالعات هویت قومی در چند دهه اخیر بر پایه سه دیدگاه کلی انجام گرفته است:

۱. تئوری هویت اجتماعی: شامل مؤلفه هایی نظیر نگرش های قومی و احساس مثبت یا منفی درباره قومیت، تأیید و تصدیق، احساس تعلق و وابستگی قومی، احساس غرور و افتخار قومی و...
۲. شکل گیری و تکوین هویت و فرهنگ پذیری: شکل گیری هویت از طریق فرایندهای کشف و تعهد رخ می دهد که به طور عمده در دوره نوجوانی اتفاق می افتد، اگرچه تغییرات بعدی در آن امکان پذیر است.
۳. تضاد فرهنگی: شامل رفتارهایی است که با قومیت مرتبط هستند مانند آداب و رسوم، سنت ها و عوامل اجتماعی (Robert et al., 1999: 304).

فینی بر اساس دیدگاه نظری هویت اجتماعی، چهار مضمون مشترک هویت قومی را که برای بررسی کلیه گروه های قومی مناسب است، مشخص می سازد: احساس تعلق (احساس مثبت نسبت به گروه قومی)، کسب هویت قومی (جست و جوی فعال برای دستیابی به آگاهی و دانش قومی که باعث ثبات و دوام هویت قومی می شود)، اعمال قومی و مشارکت در فعالیت ها و سنت های قومی جهت گیری، گرایش ها و احساسات نسبت به

گروه‌های قومی دیگر (Phinney, 1992: 152).

تاجفل هویت گروهی - قومی را متشکل از سه عنصر می‌داند: ۱. عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، ۲. عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهایی ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و ۳. عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و افرادی که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند) (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲).

۲-۲. دیدگاه‌های طرد اجتماعی

- گنورگ زیمل: زیمل به واسطه کنش متقابل به بررسی تأثیر متقابل گروه بر فرد و برعکس می‌پردازد. نشانه مشخصه گروه‌ها در ابتدا محدودیت و بسته بودن آنها بود، اما به تدریج گشایش به دنیای بیرون صورت گرفت. در نتیجه گسترش کلانشهرها، گروه‌های گوناگون (نژادی، قومی و فرهنگی) دستخوش تغییراتی شدند. بافت شهری مدرن به گونه‌ای است که فرهنگ فردی بر فرهنگ گروهی برتری می‌یابد، برای افراد جست‌وجوی تشابهات مهم نیست، بلکه جست‌وجوی تفاوت‌ها و غرابت‌ها ارجحیت دارد. زیمل به سه مورد از تحولات اشاره می‌کند:

۱. بی‌تفاوتی یا ادراک رفتار طردکننده: این رفتار ناشی از زندگی مدرن (مدرنیته)، تنوع روش‌های زندگی، تضاد نگرش‌ها و ارزش‌ها با گروه پیونددهنده و در واقع تشدید تحریکات روانی و احساسی است. ۲. آزادی و ویژگی (غرابت): به میزانی که گروه از لحاظ تعداد، فضا و محتوای زندگی (معنا)، اتحاد درونی‌اش منبسط می‌شود، فرد آزادی و فردیت بیشتری پیدا می‌کند. افراد برای نشان دادن خویش با کناره‌گیری از گروهی که کارکرد معنابخشی داشته، تفاوت‌هایشان را تشدید می‌دهند. ۳. طرد و کشمکش: این فردیت و بی‌تفاوتی کلی منجر به احساس تنفر و انزجار نسبت به ارزش‌ها و پیوندهای قبلی‌اش که با ارزش‌های دوره مدرن در تضاد است، می‌شود. در واقع پیشروی در آزادی فردی بر پیوندهای گروهی تأثیر گذاشته و به تجزیه آنها منجر می‌شود (زیبرا، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۱).

- ماکس وبر: وبر، نظریه پرداز کلاسیک به مانند ارسطو و آدام اسمیت در این نظر که طرد اجتماعی ناشی از فقدان انتخاب فردی است، پیشگام بود. نکته مهم در این برداشت این است که برخی افراد، بعضی شرایط و وضعیت‌ها، از جمله قرار گرفتن در گروه قومی را

انتسابی و تعیین شده از نسل‌های پیشین و نیاکانشان می‌دانند و حقی برای انتخاب خود ندارند، در نتیجه اگر فرد از این شرایط ناراضی باشد، احساس طرد پیش می‌آید. آرای وبر درباره گروه‌های منزلتی بعدها سهم مهمی در شکل‌گیری نظریه‌های طرد اجتماعی ایفا کرد. به نظر وبر، گروه‌های منزلتی از طریق فرایند انسداد اجتماعی خصلتی بسته به خود می‌گیرد و فرصت‌ها و کالاهای مادی و امتیازات افتخاری را به انحصار اعضای خود درمی‌آورند. اگر گروه قومی در تلقی فرد به‌عنوان گروه منزلتی باشد، می‌تواند امتیازات افتخاری را برای اعضای خویش به انحصار درآورد (وبر، ۱۳۸۴: ۲۱۹). در اینجا است که مفهوم طرد و منزوی شدن به حاشیه رانده می‌شود. اگر این گروه، منزلت و اهمیتی در تلقی فرد نداشته باشد، با توجه به اینکه هویت قومی انتسابی است، احساس طرد و بیزاری در فرد به وجود می‌آید.

- پیر بوردیو: بوردیو برای شرح آرای خود در مورد طرد اجتماعی از سه مفهوم محوری سرمایه، میدان و عادت‌واره بهره برده است. بوردیو با دو نیروی به هم مرتبط ساختار (میدان) و عاملیت (عادت‌واره) توضیح می‌دهد که چگونه کنشگران مسیرهایی را در جهت جذب/طرد می‌پویند. از یک سو موقعیت میدانی گزینه‌ها و هنجارهایی را تعیین می‌کند و از طرف دیگر عادت‌واره فرد و به عبارتی، نظامی از تمایلات، نگرش‌ها، باورها و رفتارها. ارزیابی آنها نحوه مواجهه فرد به این گزینه‌ها را مشخص می‌کند (بون ویتز، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۶). بنا بر یک اصل کلی، عاملان اجتماعی در مسیر زندگی خود به سمت میدان‌ها و موقعیت‌ها و گروه‌هایی جذب شده و می‌مانند که بیشترین هم‌نوایی و انطباق را با عادت‌واره آنها دارد و برعکس از میدان‌هایی اجتناب می‌ورزند که با عادت‌واره آنها ناسازگار است و احساس طرد می‌کنند. این میدان می‌تواند جامعه، اجتماع محلی، هویت قومی، هویت ملی و... باشد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶).

- آنتونی گیدنز: بنا به نظر گیدنز، طرد اجتماعی به معنای ضعف یا محدودیت شبکه‌های اجتماعی و گروهی است که به انزوا می‌انجامد. مفهوم طرد اجتماعی، جنبه عاملیت را پیش می‌آورد. به عبارتی، طرد فقط حاصل طرد کردن افراد نیست، بلکه ممکن است نتیجه کناره‌گیری داوطلبانه فرد از ابعاد و جنبه‌های گوناگون جریان امور جامعه باشد. به نظر گیدنز، در بررسی پدیده طرد اجتماعی باید نسبت به تعامل عاملیت و نقش اجتماع در شکل دادن به اوضاع و شرایط، آگاه و هوشیار باشیم (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۶۹-۴۶۸).

بنابراین به نظر‌گیدنز، طرد به دوشکل وجود دارد: الف) طرد اجباری: اشاره به (دگربودگی) افرادی دارد که محرومیت و طرد را به خاطر جنسیت، نژاد، توانایی، طبقه و جایگاه، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (منحرفین و معتادان) و نظایر آن را تجربه می‌کنند. ب) طرد اختیاری: دلالت بر کسانی دارد که خودشان طرد یا گسستگی را از جامعه یا گروه انتخاب کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۱۵). انگیزه در طرد اختیاری بسیار مهم است. در واقع انگیزه دامنه وسیعی از نیازها را از جمله نیاز به تکامل، نیاز به تمایز، تعلق تا نیاز به خودانگاره مثبت را در بر می‌گیرد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۷۲).

۳. چارچوب نظری

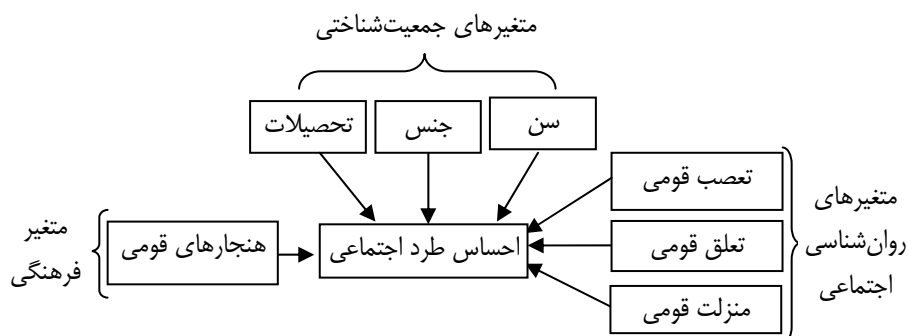
از آنجا که هویت قومی از مفاهیم پیچیده و مبهم در حوزه علوم انسانی بوده، همواره در بین جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... محل مناقشه بوده است. از مجموع رویکردهای طرد اجتماعی می‌توان چنین نتیجه گرفت که احساس طرد، فرایندی چندبعدی، پویا و مزمن است که در بستری از ویژگی‌های شخصی (سن، جنسیت، قومیت، ملیت و نظایر آن)، شرایط موقعیتی و محیط اجتماعی - فرهنگی رخ می‌دهد.

در راستای تبیین ارتباط و تأثیر متغیر هویت قومی بر احساس طرد، دو دسته متغیر استخراج شده‌اند که عبارتند از: ۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی (زمینه‌ای) شامل سن، جنس و تحصیلات و ۲. متغیرهای روان‌شناسی - اجتماعی و فرهنگی شامل متغیرهای مستقل تعصب قومی، تعلق قومی، منزلت قومی، هنجارهای قومی و متغیر وابسته احساس طرد اجتماعی. متغیر تعصب قومی با استناد به نظریه‌های تعامل‌گرایی نمادین (پارک و بلومر) و نظریات روان‌شناسی اجتماعی (دیوید مایر) بر احساس طرد اجتماعی تأثیرگذار است. نظریات پارک درباره تعصبات گروهی - قومی و انسان حاشیه‌نشین، تحلیل‌های قوی برای این بحث هستند. بنا به نظریه بلومر، برای درک مفهوم تعصب باید به جایگاه گروه تأکید کرد. تعصب قومی ناشی از ارزیابی افراد و تفسیر تجربیات خود و وقایعی است که تجربیات قومی را پدید آورده. نکته مهم نظریه دیوید مایر این است که صرف ادراک و تجربه فرد از اینکه در کدام گروه است، می‌تواند تعصبات گروهی و قومی را در او تقویت کرده و فرد به آن بیالود و یا برعکس از آن دلزده شود.

برای تبیین رابطه متغیرهای تعلق قومی و احساس طرد، از نظریه‌های هویت اجتماعی و نیز دیدگاه گیدنز در نظریه‌های طرد، بهره برده می‌شود. مطابق دیدگاه هویت اجتماعی، هویت قومی مرکب از گرایش‌ها و احساسات است و از میزان و درجه احساس تعلق به گروه فرهنگی و قومی مفهوم‌سازی می‌شود. در این دیدگاه، به عنصر شناختی (آگاهی از تعلق به گروه و احساس حاصل از آن) توجه می‌شود. با استناد به نظریه گیدنز، در بررسی تأثیر متغیر تعلق بر احساس طرد (رابطه معکوس)، باید به جنبه عاملیت توجه کنیم؛ احساس طرد اختیاری که نتیجه کناره‌گیری داوطلبانه افراد از امور گروهی، عدم تعلق به اجتماعات هویت بخش (قومی) و قطع روابط خویشاوندی است.

جهت تبیین متغیر منزلت قومی و احساس طرد اجتماعی، به نظریه ماکس وبر، استناد می‌کنیم. طبق نظر وبر، گروه قومی با تخیل اجتماعی افتخار و غرور می‌تواند مدعی منزلتی ویژه گردد. اگر گروه قومی تعیین شده (با توجه به انتسابی بودن آن) امتیازات افتخاری را برای اعضای خویش فراهم آورد، در تلقی و ارزیابی اجتماع و فرد به‌عنوان گروه منزلتی باشد، مفهوم احساس طرد نسبت به گروه به حاشیه رانده می‌شود. به منظور تبیین رابطه نگرش به هنجارهای قومی و احساس طرد ترکیبی از نظریه‌های هویت اجتماعی و نظریه پیر بوردیو، در دیدگاه‌های طرد، به کار گرفته می‌شود. یکی از جنبه‌های تئوری هویت اجتماعی، تأکید بر جنبه‌های فرهنگی هویت قومی، نگرش به آنها و در نتیجه پایبندی به هنجارهاست. با استناد به نظریه بوردیو می‌توان گفت: احساس طرد، محصول ناسازگاری میان ارزش‌ها و هنجارهای میدان (زمینه گروهی) و عادت‌واره و باورهای افراد است. با توجه به چارچوب نظری بیان‌شده فرضیه‌های زیر را می‌توان ارائه داد:

۱. بین جنس و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱. بین تحصیلات و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سن و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین تعصب قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
۴. بین تعلق قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
۵. بین منزلت قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
۶. بین هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.



شکل ۱. مدل پژوهش؛ رابطه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (احساس طرد اجتماعی)

۴. روش پژوهش

با توجه به تازگی موضوع، روش پژوهش حاضر به طور عمدۀ مبتنی بر روش پیمایشی - میدانی و اسنادی خواهد بود. جامعه آماری در این تحقیق کلیه افراد از ۱۵ تا ۵۰ سال قوم عرب شهرستان اهواز، اعم از مرد و زن هستند. توجیه گروه سنی در این تحقیق، با توجه به ماهیت تحقیق، در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه آمارهای تفکیکی در سطح جمعیت اقوام صورت نگرفته، برای به دست آوردن حجم جامعه آماری مورد مطالعه (قوم عرب)، از پژوهش نواح (۱۳۸۸) که جمعیت عرب‌های اهواز را ۵۵ درصد و حجم جامعه را ۴۴۲۷۳۹ تخمین زده است، استفاده شده است. در نهایت، از جامعه مذکور به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از طریق فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد. با توجه به اینکه روش دیگر این تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است، از اسناد، مدارک و گزارشات موجود در مورد قومیت و به علاوه منابع اطلاعاتی در زمینه طرد اجتماعی، استفاده شده است.

در تحقیقات پیمایشی، بررسی اعتبار و پایایی از ارکان مهم است. در اینجا اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نوع صوری بوده، بدین صورت که در ارتباط با متغیر وابسته تحقیق، گویه‌هایی را تنظیم کرده و از طریق ارجاع به محققانی (اساتید) که در این باره دارای تجربه هستند، قابلیت اعتماد حاصل شده است. گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل از آنجا که اکثراً از تحقیقات قبلی (نواح، ۸۸-۱۳۸۶) اقتباس شده‌اند، پایایی آنها تأیید شده بود، با این حال مجدداً به کسب پایایی این متغیرها، اقدام شد. بنابراین ابتدا پرسشنامه در مرحله

پایلوت (پیش‌آزمون) در بین نمونه‌ای به تعداد ۳۰ نفر توزیع شد و در نهایت جهت پایداری درونی گویه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. گویه‌های این متغیرها در دامنه پنج گزینه‌ای طیف لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده‌اند. اطلاعات جدول ۱ نشان‌دهنده ضرایب پایایی گویه‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و همچنین تعداد گویه‌های هر متغیر است.

جدول ۱. ضرایب پایایی و تعداد گویه‌های متغیرها

نام متغیر	تعصب قومی	تعلق قومی	منزلت قومی	نگرش به هنجارهای قومی	احساس طرد اجتماعی
آلفای کرونباخ	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۷۸
تعداد گویه‌ها	۱۰	۱۰	۵	۱۲	۱۶

۴-۱. تعاریف مفهومی - عملیاتی متغیرهای پژوهش

- تعصب قومی: تعصب از «عصبه» به معنی جمع و گروه است؛ رشته‌ای که فرد را به گروه خود پیوند داده تا به حمایت و جانبداری از گروه و جمع برخیزد. تعصب ممکن است مثبت یا منفی باشد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۶۸). تعصب از لحاظ لغوی به معنای جانبداری، حمایت، سختگیری و پرخاش به کار رفته است (معین، ۱۳۸۱: ۴۶۴). اما از لحاظ اصطلاحی عبارت است از: گرایش غیرمنطقی و غیر قابل انعطاف نسبت به یک دسته از مردم. ارزیابی مثبت گروه خودی به احساس برتری به تعصب گروهی می‌انجامد. در مقابل ارزیابی منفی گروه عدم تعصب به قوم و احساس فروتری را به دنبال دارد. تعصب متضمن داشتن عقاید از پیش اندیشیده درباره یک فرد یا گروه یا ملت است. همچنین به معنای عقایدی است که به رغم اطلاعات جدید، در برابر تغییر و دگرگونی مقاوم باشند (کیدنز، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

در این پژوهش تعصب مثبت یا منفی افراد به قومیتشان با گویه‌هایی که اکثراً از پژوهش‌های نواح بهره گرفته شده، سنجیده می‌شود. نمونه‌هایی از گویه‌های این متغیر، عبارتند از: در هر جای جهان زندگی کنم، از هویت قومی خود دفاع می‌کنم. جک‌های قومیتی، غرور و تعصبم را خدشه‌دار می‌کند. اگر فیلم‌های تلویزیونی و برنامه‌های مستند، تصویر منفی از قومیتم نشان دهند، خشمگین می‌شوم. اگر کسی طرز پوشش مخصوص قومم را مورد تمسخر قرار دهد، واکنش نشان می‌دهم.

- تعلق قومی: ابن خلدون، جوهره حیات جمعی را تعلق جمعی و روح یاری‌گری می‌داند که در بادیه‌نشینی از طریق اجتماع افراد براساس نظام خویشاوندی حاصل می‌شود و در شهرنشینی از طریق گسترش روابط صورت می‌پذیرد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). حس تعلق توسط آنانت^۱، به‌عنوان یک حس درگیری شخصی، در یک سیستم گروهی - اجتماعی تعریف شده است و افراد خود را بخش جدایی‌ناپذیری از نظام احساس می‌کنند. بنا بر تعریف پولینی، تعلق عبارت است از: حس دلبستگی، وابستگی و وفاداری به گروه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا «احساس ما» شده، به نحوی که فرد، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از گروهش می‌داند.

برای عملیاتی کردن متغیر تعلق قومی از گویه‌های برگرفته شده از پژوهش‌های نواح (۱۳۸۸) و ربانی و حاجانی (۱۳۸۸) استفاده شده است. برخی از گویه‌ها عبارتند از: به خوبی درک می‌کنم، عضویتم در گروه قومی‌ام چه معنایی برایم دارد. وجود من با قومیت (عرب) عجیب است. برای من وابستگی به عشیره مهم است. ای کاش از گروه قومی دیگری بودم.

- منزلت قومی: واژه منزلت در زبان انگلیسی از واژه لاتین *praestigia* به معنای حيله و جادو گرفته شده است. اعتباری که افراد یا گروه‌ها در جامعه دارند، اشاره به منزلت یا پرستیژ دارد. منزلت را هم تلقی افراد از گروه خویش و هم نگرش دیگران و جامعه کلی نسبت به آن گروه تعیین می‌کنند. آنچه را که افراد ارج می‌نهند، به شدت از فرهنگ ویژه گروهی که به آن متعلقند، تأثیر می‌پذیرد (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۵۱۱)، منزلتی که بر پایه زمینه قومی است، انتسابی بوده و سابقاً این منزلت با دیگر منزلت‌های فرد تناسب داشته؛ زمینه قومی با شغل و طبقه. اما امروزه برخی منزلت‌ها که با دستاوردهای فردی تعیین می‌شوند با منزلت‌های انتسابی (طبقه و قومیت) ناسازگارند، بدین خاطر دلزدگی از منزلت منتسب شده را به دنبال دارد. اشاره می‌کنیم که این امر بسته به شرایط و دگرگونی‌ها و نیز سنخ‌های شخصیتی افراد است (کوئن، ۱۳۸۶: ۶۲).

متغیر منزلت قومی در این تحقیق با شاخص‌هایی مانند این موارد سنجیده شده است: هنگامی که چیزی درباره دستاوردهای قومم می‌شنوم یا می‌بینم، احساس غرور می‌کنم، هویت قومی مهم‌ترین سرمایه و دارایی زندگی من است و قوم من رسم و رسومات گرانمایی را در بین فرهنگ ایران دارد.

- هنجارهای قومی: اعمال و رفتارهای گروهی است که مبتنی بر یک یا چند ارزش گروهی است. هنجارها تعیین کننده بایدها و نبایدهای کرداری و گفتاری افراد بوده، طبق قواعد و منبعث از سنت فرهنگی است و به صورت گفتار و رفتار از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۵۷۶-۵۷۵). در بیشتر جوامع شرقی از جمله ایران، گروه‌های قومی برای سنت‌های کهن، احترام به ریش سفیدان ارزش زیادی قائلند. اما به طور کلی ارزش‌ها بسته به سنخ‌های شخصیتی درجات گوناگون و تفسیرهای متفاوتی دارند (کوئن، پیشین: ۴۱).

مؤلفه‌های عملیاتی متغیر هنجارهای قومی را از پژوهش نواح (۱۳۸۷) اقتباس کرده‌ایم که برخی از گویه‌ها عبارتند از: ایجاد مراکز فرهنگی که در آنها شعر و موسیقی محلی (عربی) آموزش داده شود، ضروری نیست. من بزرگان و شیخ قوم را الگو قرار می‌دهم. برای من آداب و رسوم قومی (در مورد قوم عرب، نظیر «فصل») از اهمیت زیادی برخوردار است. بهتر است هر قومی سنن و رسوم خود را حفظ کند.

- احساس طرد اجتماعی: در تعریف مفهوم طرد اجتماعی دو دوره می‌توان قائل شد: دوره اول که نقش افراد (عاملیت) مورد توجه بوده است. این مفهوم متأثر از ارسطو، آدام اسمیت و دردوره‌های جدیدتر، ماکس وبر است (Sen, 2002: 26). در دوره دوم در تعریف واژه طرد، نقش ساختار مورد توجه بود که ریشه آن از سیاست اجتماعی اروپا و در جریان انقلاب فرانسه، به دنبال شعارهای سه گانه (آزادی، برابری و برادری) است. در این تحقیق، در تعریف احساس طرد، به تبعیت از مفهوم دوره اول و با اقتباس از نظر ویسلز و میدما (۲۰۰۲) سطوح آن را بیان می‌کنیم: ۱. احساس طرد انتخابی: اشاره به همان بینش و آگاهی در فقدان نقش در انتخاب‌ها دارد، ۲. احساس طرد اولیه: افراد با یک اختلال جزئی در نظام ارزش‌های گروهی خود مواجه می‌شوند، اما همچنان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی گروه هستند، ۳. احساس طرد متوسط: افراد از برخی ترتیبات مشخص بنیادین گروه (مانند تبعیض‌ها بر پایه جنسیت) احساس طرد می‌کنند، اما همچنان در چارچوب‌های غالب جای دارند و ۴. احساس طرد پیشرفته: افراد به دلیل وجود ترکیبی از ویژگی‌ها و علائق شخصی و همچنین دگرگونی‌های اجتماعی، متمایل به سبک‌های زندگی متفاوت خارج از جریان غالب گروه شده، خود را متعلق به قالب‌های اصلی و بنیادین گروهی نمی‌دانند.

به منظور تعریف عملیاتی و سنجش این متغیر، گویه‌های محقق‌ساخته‌ای را در ابعاد روان‌شناسی - اجتماعی و فرهنگی، تنظیم کرده‌ایم که نمونه‌های آن عبارتند از: اگر حق انتخاب داشتم، گروه قومی دیگری را انتخاب می‌کردم. وقتی عقاید مردم قوم را با عقاید دیگران (برای مثال، عقاید در مورد جایگاه زنان و دختران) مقایسه می‌کنم، احساس تنفر می‌کنم. در کل فرهنگ قوم من در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر حرفی برای گفتن ندارد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های توصیفی

در این تحقیق، یافته‌های توصیفی با توجه به گروه‌های اجتماعی دارای هویت متمایز (گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی) به دست آمده و توصیف شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین سن جمعیت نمونه ۲۸/۸، انحراف معیار ۱/۱۸ و واریانس ۱/۴۰ است. حداقل نمره برای این متغیر ۱۵ و حداکثر ۵۰ است. توزیع پاسخگویان بر اساس جنس، به این صورت بوده است: از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۹۵ نفر مرد (۲۴/۷۴ درصد) و ۲۸۹ نفر زن (۷۵/۲۶ درصد) هستند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات هم نشان داد که ۱/۳۰ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۱/۴۶ درصد ابتدایی، ۱۵/۳۶ درصد راهنمایی، ۴۶/۳۶ درصد دیپلم و کاردانی، ۲۰/۳۱ درصد کارشناسی و ۵/۲۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده‌اند.

جدول ۲. متغیرهای توصیفی ابعاد هویت قومی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	بی‌پاسخ	تعداد مشاهدات	جمع کل
تعصب قومی	۲۲/۵۳	۰/۳۶	۵۱/۰۷	۱۱	۳۲	۱	۳۸۳	۳۸۴
تعلق قومی	۱۷/۵۳	۰/۲۵	۲۴/۷۳	۹	۲۴	۰	۳۸۴	۳۸۴
هنجارهای قومی	۲۵/۸۵	۰/۲۸	۲۷/۴۸	۱۶	۵۸	۱	۳۸۳	۳۸۴
منزلت قومی	۲/۸۱	۲/۹۷	۲/۹۱	۲۰	۴۶	۴	۳۸۰	۳۸۴

جدول بالا نمایانگر یافته‌های توصیفی ابعاد هویت قومی است که در سه بعد مورد سنجش قرار گرفته است: بعد روان‌شناسی، اجتماعی شامل متغیرهای تعصب، تعلق و منزلت قومی، همچنین بعد فرهنگی شامل متغیرهای هنجارهای قومی است. تعداد مشاهدات برای این متغیر به تفکیک این ابعاد ۳۸۴ نفر بوده است. میانگین هویت قومی در ابعاد روان‌شناسی اجتماعی

به ترتیب برای متغیرهای تعصب قومی (۲۲/۵۳)، بالاترین میزان، دوم تعلق قومی (۱۷/۵۳) و منزلت قومی (۲/۸۱) پایین ترین میزان را در شاخص‌های پراکندگی نشان داده است. از طرفی میزان شاخص‌های پراکندگی در بعد فرهنگی، متغیر هنجارهای قومی (۲۵/۸۵) است که در نهایت مطابق یافته‌های این بررسی در بالاترین سطح است.

جدول ۳. متغیرهای توصیفی احساس طرد اجتماعی

میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	کل مشاهدات
۵۵/۵	۱/۰۹	۱/۲۰	۱۹	۸۶	۳۸۴

داده‌ها نشان می‌دهند که دامنه احساس طرد در گروه نمونه بین ۱۹ تا ۸۶ است. میانگین احساس طرد پاسخگویان ۵۵/۵۰، انحراف معیار آن ۱/۰۹ و واریانس احساس طرد پاسخگویان ۱/۲۰ است.

۲-۵. یافته‌های استنباطی

در این قسمت به منظور سنجش متغیرها و فرضیات تحقیق، به بررسی روابط دو متغیره (جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و فرضیات تحقیق) پرداخته شده است. شایان ذکر است که براساس نوع و مقدار آزمون و سطح معناداری پیرامون فرضیه‌ها قضاوت شده و در نهایت تمام فرضیه‌های تحقیق، به استثنای یک فرضیه، تأیید شده‌اند. - فرضیه نخست: بین جنس و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴. سنجش رابطه میان جنسیت و احساس طرد اجتماعی

متغیر	جنس	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معناداری
احساس طرد اجتماعی	مرد	۴۱/۹۶۵۳	۱۱/۹۸۴۴۴	۳۹۸	۳/۵۰۴	۰/۰۰۱
	زن	۴۶/۲۶۱۸	۱۲/۲۷۳۹۹			

از آنجایی که متغیر جنس، اسمی با دو مقوله و متغیر احساس طرد اجتماعی، به صورت فاصله‌ای است، مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر، آزمون t با دو نمونه مستقل است. در این پژوهش نیز برای بررسی تفاوت میانگین مرد و زن در احساس طرد اجتماعی از آزمون تفاوت میانگین استفاده شد که طی آن مشخص شد، بین متغیر جنس و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین احساس طرد بر حسب

جنس متفاوت است.

- فرضیه دوم: بین تحصیلات و احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵. رابطه میان تحصیلات و احساس طرد اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	F	میزان معناداری
بین گروهی	۶۲۱۱/۱۳۶	۷	۸۸۷/۳۰۵	۶/۴۰۰	۰/۰۰۰
درون گروهی	۵۴۳۴۶/۴۷۸	۳۹۲	۱۳۸/۶۳۹		
کل	۶۰۵۵۷/۶۱۴	۳۹۹	--		

برای تحلیل این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار F و معناداری در جدول بالا، می‌توان نتیجه گرفت که افراد در گروه‌های مختلف تحصیلی دارای نمره‌های متفاوتی از احساس طرد اجتماعی هستند. با استفاده از آزمون‌های تکمیلی شفه و توکی مشخص شد که در واقع احساس طرد افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر هستند، در مقایسه با افرادی که دارای تحصیلات پایین‌تر هستند، به‌طور معناداری بیشتر است.

جدول ۶. آزمون فرضیه‌های سوم تا هفتم

فرضیه	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	آماره‌های پارامتریک (پیرسون) سطوح سنجش متغیرها (فاصله‌ای - فاصله‌ای)
سوم	سن	احساس طرد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون / سطح معناداری
چهارم	تعصب قومی		رابطه یا عدم رابطه (تأیید یا رد فرضیه)
پنجم	تعلق قومی		رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.
ششم	منزلت قومی		رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.
هفتم	هنجارهای قومی		رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.
			رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.
			رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

*Sig < ۰/۰۱

جدول بالا آزمون رابطه فرضیاتی است که سطح سنجش آنها فاصله‌ای بوده است. در اینجا از آماره R (ضریب همبستگی پیرسون) که نشان‌دهنده مقدار همبستگی دو متغیر است، جهت سنجش فرضیه‌ها استفاده شده است. اطلاعات زیر درباره آزمون فرضیه‌ها را می‌توان با توجه به جدول ارائه داد:

با توجه به مقدار $r = -۰/۳۲۱$ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ در جدول می‌توان گفت: بین دو متغیر رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین از آنجایی که سطح معناداری آن از ۰/۰۵ کمتر است، فرض صفر رد شده و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. بدین ترتیب که

تفاوت معناداری در احساس طرد اجتماعی پاسخگویانی که درسین مختلف هستند، وجود دارد. از آنجا که در جدول مقدار $r = -0/647$ و $sig = 0/000$ است، می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. میزان همبستگی پیرسون برابر است با $-0/647$ است که نشان دهنده شدت رابطه قوی و معکوس بین تعصب قومی و احساس طرد اجتماعی است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می شود. به عبارتی، میزان تعصب قومی بر احساس طرد اجتماعی تأثیر دارد، به طوری که هرچه قدر میزان تعصب قومی بالا می رود، احساس طرد کاهش می یابد و متقابلاً با کاهش تعصب قومی، احساس طرد افزایش خواهد یافت.

بر اساس اطلاعات جدول ۶، همبستگی بین تعلق قومی و احساس طرد اجتماعی، برابر $-0/274$ - با سطح معناداری $0/000$ به دست آمده است. بنابراین می توان گفت که رابطه بین دو متغیر معنادار است، چرا که سطح معناداری از $0/05$ کمتر و نیز رابطه معکوس (منفی) است. به عبارتی، هرچه تعلق قومی بالا رود، احساس طرد کمتر خواهد بود و با کاهش احساس تعلق به قومیت، احساس طرد اجتماعی افزایش خواهد یافت. همچنین می توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد، به طوری که می توان گفت: منزلت قومی تأثیر چندانی بر احساس طرد اجتماعی ندارد. همچنین همبستگی بین هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی برابر با $-0/557$ - و با سطح معناداری $0/000$ به دست آمده که چون سطح معنادار بودن از $0/05$ کمتر است، نتیجه گیری می شود که همبستگی بین دو متغیر معنادار و نیز معکوس است. هر چه نگرش به هنجارهای قومی مثبت تر باشد، احساس طرد کمتر خواهد بود و در مقابل نگرش منفی به هنجارهای قومی، افزایش احساس طرد را به دنبال خواهد داشت.

۳-۵. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره فرضیه های تحقیق

جدول ۷ میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق و احساس طرد اجتماعی را نشان می دهد. در اینجا متغیرهای مستقل تحقیق که در آزمون رابطه همبستگی معنادار بوده اند، وارد معادله رگرسیون شده اند. ارقام مندرج به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر تعصب قومی، احساس طرد به اندازه $0/271$ انحراف استاندارد کاهش می یابد. همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد هنجارهای قومی، میزان

احساس طرد به اندازه ۰/۲۴۸ انحراف استاندارد کاهش یافته و با افزایش یک واحد استاندارد در متغیر تعلق قومی، احساس طرد به اندازه ۰/۲۶۸ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر تعصب قومی در مقایسه با سایر متغیرها سهم بیشتری در تبیین احساس طرد اجتماعی دارد.

جدول ۷. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی احساس طرد اجتماعی

سطح معناداری	t	Beta	اشتباه استاندارد	B	شاخص‌ها متغیرها
				۹۰/۹۲۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۴/۳۱۱	-۰/۲۷۱	۰/۰۶۰	-۰/۲۵۷	تعصب قومی
۰/۰۰۰	-۴/۱۱۷	-۰/۲۴۸	۰/۰۹۵	-۰/۳۸۹	هنجارهای قومی
۰/۰۰۰	-۶/۰۰۲	-۰/۲۶۸	۰/۱۴۱	-۰/۸۴۹	تعلق قومی

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی مهم‌ترین یافته توصیفی این تحقیق این است که ساختار و مناسبات اجتماعی، به‌ویژه هنجارها و عقاید تعصب‌آمیز و رسوم قومی در قوم مورد مطالعه (عرب شهر اهواز) همچنان به‌صورت نیمه‌سنتی است که بر چگونگی نگرش به هویت قومی و درنهایت احساس طرد نسبت به آن تأثیرگذار خواهد بود.

در تحلیل کلی، در جوامع در حال گذار، ادراک و احساس طرد اجتماعی ناشی از ارزش‌هاست. به عبارت دیگر، هم جامعه‌ای است که در آن نفوذ ارزش‌های گذشته تاحدی در تقابل با ارزش‌های جدید، کم‌رنگ شده، اما همچنان بر حفظ سرمایه‌های فرهنگی تأکید می‌شود. هم جامعه‌ای است که تا حدی عناصر مدرن شدن (تحت تأثیر رسانه‌های اینترنتی، ماهواره‌ای و نیز رسانه‌های ملی) در جامعه رایج شده و بنابراین همه افراد صرف نظر از پیشینه طبقاتی - محلی و قومی، تمایل به تجربه‌ها و ارزش‌های جدید دارند.

طبق نتایج تجربی پژوهش، در مورد تعصب قومی که در تحلیل رگرسیونی، بیشترین قدرت تبیینی را بر احساس طرد اجتماعی نشان داد، نتایج حاکی از آن است که در شرایط امروز، میزان تعصب به قومیت به نسبت گذشته کمتر شده، چراکه همگی (افراد و اقوام) یک ما و ملیتند. به عبارتی می‌توان گفت: تعصب قومی با گرایش و نگرش به تغییرات ارتباط دارد. در ضمن به اعتقاد جامعه‌شناسان، هویت قومی را نباید بر مبنای قدرت تخیل و خصلت تعصب‌پی‌ریزی کرد و بدان سرفراز شد، چراکه تعصب منجر به تحجر هویت

شده و این امر آسیبی است که باعث می‌شود از سیر افقی تغییرات اجتناب شود. به علاوه مطابق نظریات تعامل‌گرایی (پارک و بلومر)، کاهش یا نداشتن تعصب نسبت به قومیت، بر احساس طرد اجتماعی تأثیرگذار است. به زعم نظریات این گروه، میزان تعصب افراد دستخوش تغییرات ژرف اجتماعی قرار دارد. در این رابطه فرد حاشیه‌نشین و بیگانه از هویت قومی، فردی است که تعصبی به فرهنگ و گروه قومی‌اش نداشته و افقی از فردمحوری و بی‌تفاوتی را نشان می‌دهد.

در مورد رابطه میان هنجارهای قومی و احساس طرد اجتماعی (نقش عوامل فرهنگی)، نتایج نشان از مناسبات سنتی گروه مورد مطالعه دارد. یافته‌ها بیانگر آن است که در مورد هنجارهای قومی، ارزش‌ها و به‌ویژه عقاید قومی، نگرش مثبت کاهش یافته، در نتیجه نسبت به باور و رسوم قومی احساس طرد بیشتر شده و بنابراین به پیامدهای عدم هنجارمندی، عدم پیروی و رعایت رسوم و عقاید قومی منجر می‌شود. همچنین بر اساس نظریات هویت اجتماعی و آرای نظریه‌پرداز طرد اجتماعی (بورديو) بدین صورت تبیین می‌شود: طبق تئوری هویت، هر اندازه قدرت و نفوذ سنت‌ها و هنجارها کاهش یابد، پابندی به آنها تحلیل رفته و احساس طرد نسبت به آنها افزایش می‌یابد. در آرای بورديو گفته شد که احساس طرد، حاصل فاصله و گسست میان هنجارهای گروه قومی با ارزش‌ها و نگرش فردی است.

در مورد رابطه میان تعلق قومی و احساس طرد اجتماعی، چنین می‌توان گفت: فردی که عدم حس تعلق به گروه داشته، تحت تأثیر بیگانگی نسبت به آن، به شکنندگی و دلزدگی از گروه دچار می‌شود. بنابراین فردی که نسبت به هویت قومی خود به‌طور عام و ساختار اجتماعی - فرهنگی آن به‌طور خاص، عدم تعلق و در نهایت احساس طرد کند، احتمال دارد که از مشارکت و روابط با گروه کناره‌گیری کند. نوع نظام و ساختار (قبیله‌ای و طایفه‌ای) و الزامات و هنجارهای آن و البته فردمحور شدن انسان‌های این دوره، در ایجاد عدم تعلق به گروه قومی نقش مهمی ایفا کرده و به احساس طرد نسبت به عضویت و تعلق به چنین ساختاری منجر می‌شود. به علاوه با جمع‌بندی نظریه طرد اجتماعی گیدنز و هویت اجتماعی تاجفل می‌توان گفت: هویت قومی، امری یک‌جانبه نیست و محصول دیالکتیک درونی و بیرونی است. عوامل درونی در نظریه گیدنز، انگیزه و دامنه‌ای از نیازها (تعلق و تمایز) و با عنوان نقش عاملیت در احساس طرد اجتماعی است. عوامل بیرونی (شرایط

جامعه و محیط / دگرگونی‌های فرهنگ و اجتماع) باعث تغییر در شیوه‌های عمل افراد می‌شود (جنبه ساختار در اثرگذاری بر تعلقات). با توجه به نتایج و یافته‌ها، پیشنهادها و راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. جلوگیری از درونی شدن احساس غبن و طرد و محرومیت و مفاهیمی از این قبیل در میان اقوام، به‌ویژه اقوامی که خود را محروم‌تر احساس کرده و خود را تحقیر شده می‌بینند. مهم‌ترین راهکار در این خصوص سعی در محو نگرش‌های قالبی و تحقیرآمیز اقوام و گروه‌های دیگر نسبت به یک گروه قومی است، به بیان دیگر رواج اصل برابری همگان و جلوگیری از ایجاد خطوط جداسازی قومی.

۲. به‌منظور غنای فرهنگی و جلوگیری از بی‌ارزشی قومی و احساس طرد اجتماعی، باید پل‌هایی ایجاد کرد که افراد بتوانند از مرزهای قومی عبور کنند. بنابراین باید بر افزایش ارتباطات درون‌قومی و برون‌قومی، ایجاد پیوند و تبادل فرهنگی میان اقوام و گروه‌های جامعه تأکید شود.

۳. تأکید بر قومیت به‌عنوان سرمایه فرهنگی - اجتماعی اقوام؛ ارتقای عملکرد نهادهای اجتماعی، فرهنگی چون خانواده، نظام آموزشی و به‌ویژه رسانه‌های جمعی در تقویت فرهنگ‌های قومی، باید در اولویت برنامه ریزی‌های فرهنگی قرار گیرد.

۴. در راستای اقدامات عملی، تعیین و ارزیابی حساسیت‌های قومی، میزان طرد و درجه طرد و نوع طرد از چه هست (تبعیض، هنجار و عقاید قوم)، پیشنهاد می‌شود که با بهره‌گیری از روش روان‌شناسی اجتماعی ممکن است. به سخن دیگر، در کنار حفظ فرهنگ و رسوم اقوام، تا حدی پیشرفت فرهنگی به‌ویژه در رابطه با رسوم و هنجارهای قومی، ضروری است، بدین دلیل که شیوه‌های سنتی در جامعه امروزه به‌ویژه در مورد نسل جوان، جواب نمی‌دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷). اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، تهران: سروش.
۲. بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). «طرد اجتماعی اقوام در آینه آمار، بررسی اقوام کرد و ترک»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
۳. بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۰)، درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر، تهران: نشر آگه.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). طرح پژوهشی هویت‌های قومی و رابطه آن هویت جامعه‌ای، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
۷. زبیرا، مارتین (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی، ترجمه سیدحسن حسینی، تهران: انتشارات آن.
۸. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۹. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). همسازی و تعارض در هویت و قومیت، تهران: نشر گل آذین.
۱۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی: لرستان)»، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۱۶۱-۱۲۷.
۱۱. فیروزآبادی، سیداحمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲). طرد اجتماعی (رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۲. قیصری، نورالله (۱۳۸۱). طرح پژوهشی قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. کوئن، بروس (۱۳۸۶). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.
۱۴. کیویستو، پیتر (۱۳۹۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۵. گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمد مهدی لبیبی، تهران: نشر افکار.
۱۶. گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
۱۷. گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). راه سوم، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شیرازه.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
۲۰. مالشوویچ، سینیشا (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران: انتشارات آمه.
۲۱. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ دوجلدی، تهران: انتشارات آدنا.
۲۲. نواح، عبدالرضا (۱۳۸۳). قوم عرب، واگرایی یا همگرایی، اهواز: اداره کل فرهنگ و ارشاد

اسلامی استان خوزستان.

۲۳. نواح، عبدالرضا و مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۶). «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و ملی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲: ۱۶۳-۱۴۲.
۲۴. نواح، عبدالرضا و مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مؤسسه انتشاراتی کمیل.
۲۵. وبر، ماکس (۱۳۸۴)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، انتشارات هرمس.

ب) منابع لاتین

1. Barry, Brian (1998). Social Exclusion, Social Isolation and the Distribution of Incom, sage paper , london .
2. Burchardt. T., Le Grand. J, David Piachand (2002). Social Exclusion in Britian: 227-244 .
3. Kabeer, N. (2006). "Social Exclusion and MDGs:the challenge of 'Durable Inequalities' in the Asian context", in Asia 2015-promoting Growth Ending poverty, Institute of development studies: <http://www.asia2015conference.org/pdfs/kebeer.pdf>
4. Lal, B. B. (1995). "Symbolic Interaction Theories", American Behavioral scientist, 38 (3).
5. Phinney, Jean S. (1992). "The Multigroup Ethnic Identity Measure; A New Scale for Use with Diverse Group", Journal of Adolescents Research, Vol. 7, No. 2 .
6. Roberts, Robert E, Jean S. phinney, Louise C. Masse, Y. Richard Chen, Catherine R. Roberts and Andrea Romero (1999). "The Structure of Ethnic Identity of Young Adolescents from Diverse Ethnocultural Group", Journal of Early Adolescence, Vol. 19, No. 3 .
7. Sen, A. (2002). Social Exclusion; Concept, Application and Scrutiny, Social Development papers. Marilla of Environment and Social Development , Asian .
8. Todman, L. (2004). "Reflection on Social Exclusion: What is it...?", Department of Sociology and Social Research. University of Milan: 17.
9. Weber, M. (1968). Economy and Society, Berkeley; university of California press .
10. Zhiyen Bayeva.N.B et al. (2013). "Experimental Study of Teenager's Ethnic Identity". Cyprus International Conference on Educational Research,cy-icer 2013. procedia- social and behavioral sciences 89:939-943.